

## **تأثیر رقابت در بازار سپرده‌ها بر بازار تسهیلات با تأکید بر وجه تمایز صنعت بانکداری اسلامی**

دکتر محمدعلی دهقان\*

### چکیده

رقابت به معنای تلاش بنگاه‌های اقتصادی برای ارائه محصولات و خدمات در شرایط بهتر نسبت به رقبا و به‌عنوان عامل ایجاد کارایی، افزایش رفاه اجتماعی، ارتقای کیفیت محصول و ترویج نوآوری در تمام بازارها و خواست سیاستگذاران اقتصادی قرار دارد. لیکن درباره درجه مطلوب رقابت در بازار خدمات بانکی، توافق کاملی وجود ندارد. در اصل بانک‌ها در دو بازار سپرده-ها و تسهیلات به‌طور هم‌زمان به رقابت می‌پردازند و برخلاف بنگاه‌های تولیدی در بازار نهاده، گیرنده قیمت نیستند. بنابراین رقابت در بازار سپرده می‌تواند منجر به کمبود منابع برای رقابت در بازار تسهیلات شده و از طریق ایجاد قدرت بازار، منجر به افزایش نرخ تسهیلات شود. وجود چنین پدیده‌ای، علاوه بر جنبه منفی مذکور، با اصول بانکداری اسلامی نیز در تقابل است. براساس اصول بانکداری اسلامی، نرخ سود سپرده‌ها براساس نرخ سود محقق شده

تسهیلات تعیین می‌شود، درحالی‌که رقابت نامطلوب در بازار سپرده‌ها، عکس این رابطه را رقم می‌زند.

این مقاله تلاش می‌کند این موضوع را در صنعت بانکداری ایران مورد آزمون قرار دهد. برای این منظور از صورت‌های مالی ۱۸ بانک کشور در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ استفاده شده و نرخ مؤثر سود سپرده‌ها و تسهیلات برای هر بانک به صورت جداگانه از صورت‌حساب سود و زیان و ترازنامه آن استخراج شده است. از آزمون علیت گرنجر برای بررسی ارتباط علی دو متغیر استفاده شده است که نتایج حاکی از وابستگی تغییرات نرخ سود تسهیلات به نرخ سود سپرده‌هاست. همچنین برای بررسی تفصیلی روابط، از یک رابطه رگرسیون داده‌های جدولی استفاده شده است. با استفاده از شاخص تمرکز هرفیندال-هیرشمن به‌عنوان شاخص درجه رقابت در بازار سپرده‌ها، در این رگرسیون نشان داده می‌شود که افزایش رقابت (کاهش شاخص هرفیندال-هیرشمن) در بازار سپرده‌ها منجر به افزایش نرخ سود تسهیلات می‌شود.

این نتیجه با قواعد بانکداری اسلامی تطابق ندارد و به معنای وجود فاصله در نظام بانکداری بدون ربای کنونی تا نظام واقعی بانکداری اسلامی است. قاعدتاً تلاش برای تحقق و اجرای نظام بانکداری اسلامی، می‌تواند از شدت رابطه مذکور بکاهد و امکان ارتقای رقابت در صنعت بانکداری را بدون آثار جانبی منفی، توسعه دهد.

**کلمات کلیدی:** بازار سپرده‌ها، بازار تسهیلات، نرخ سود سپرده‌ها، نرخ سود تسهیلات، رقابت، قدرت بازار.

طبقه‌بندی JEL: G21، G28، D43، L13.

### Abstract

Competition, the struggle of firms to present better products and services compared to the competitors, and as an effective factor on efficiency, social welfare, quality and innovation in all markets is always one of the wants of economic policymakers. But there is not an overall consensus about the desired degree of competition in banking services market. Banks have an intermediary nature and compete in both deposit and loan markets at the same time. They are not price-takers in input market. Therefore competition in input (deposit) market can result in the shortage of resources for competition in output (loan) market which can increase the loan rates via the gained market power in loan market.

Beside for the above mentioned negative effect, this is not compatible with the Islamic banking rules. Under Islamic banking rules, the deposit rates must be followed the loan rates, and not vice versa.

This article aimed to investigate this relationship in the Iranian banking industry. The effective rates of loans and deposits are calculated on the basis of financial statements of 18 banks in period 2001-2011 for every bank. The Granger causality test results reject the hypothesis which the deposit rate is not Granger cause of the loan rate. Using a more detailed panel data regression with application of the Herfindahl–Hirschman Index as a competition indicator of deposit market, the article shows a negative and significant relation between the index and the loan rate. In fact, excessive competition in deposit market (reduction of the index) can increase the loan rate.

Being incompatible with Islamic banking spirit, as the results show, displays a gap between current usury-free banking system and real Islamic banking system. Pushing efforts towards achieving and implementing of a real Islamic banking system could diminish the adverse relationship and provide an infrastructure for enhancing competition without side effects.

**Keywords:** Deposit Market, Loan Market, Deposit Rate, Loan Rate, Competition, Market Power

**JEL Classification:** G21, G28, D43, L13.

### مقدمه

در ایران بانک‌ها محور اصلی بخش مالی و منبع اصلی تأمین مالی بنگاه‌ها و خانوارها هستند و بنابراین سطح رقابت در این صنعت نقش مهمی بر جنبه‌های مختلف اقتصادی و مالی مردم دارد. صنعت بانکداری ایران طی سال‌های اخیر شاهد تحولات و سیاستگذاری‌ها گوناگون بوده است. یکی از مهم‌ترین تحولات این صنعت در رابطه با رقابت‌پذیری بانک‌ها، ورود بانک‌های خصوصی از آغاز دهه ۸۰ به این صنعت بوده است.

در واقع پس از شروع فعالیت بانکداری بدن ربا و با گذشت دو دهه فعالیت انحصاری بانک‌های دولتی از آغاز انقلاب اسلامی ایران، با اجرای قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، نخستین بانک‌های خصوصی از سال ۱۳۸۰ به صنعت بانکداری کشور وارد شدند که آثار چشمگیری بر توسعه رقابت در این صنعت به جای گذاشت.

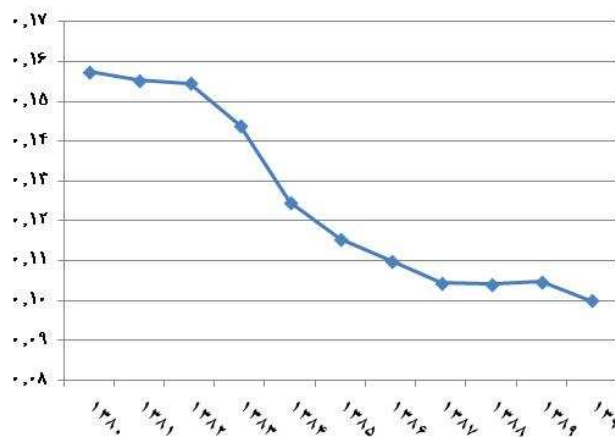
سیاست خصوصی‌سازی صنعت بانکداری ایران پس از آن نیز با ورود بانک‌های خصوصی بیشتر به صحنه رقابت در این صنعت و حتی خصوصی‌شدن برخی بانک‌های دولتی براساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی پیگیری شد. افزایش تعداد بانک‌ها و ورود فناوری‌های نوین بانکداری الکترونیکی در طول دهه ۸۰ رقابت را بیش از پیش تقویت کردند.

نمودار شماره ۱، توسعه رقابت در صنعت بانکداری ایران را در قالب شاخص تمرکز هرfindahl-هیرشمن<sup>۱</sup> نشان می‌دهد. این شاخص معادل مجموع مجذور سهم دارایی بانک‌ها از کل دارایی صنعت بانکداری در هر سال است. این شاخص هر چه کوچک‌تر باشد به معنای کاهش تمرکز در صنعت و به‌طور ضمنی حاکی از

<sup>۱</sup> Herfindahl-Hirschman Index

افزایش رقابت در بین بانک‌هاست<sup>۱</sup>. کاهش شاخص از حدود ۱۶ صدم به ۱۰ صدم در نمودار شماره ۱ مبین همین مطلب است.

نمودار شماره ۱: شاخص تمرکز دارایی‌ها در صنعت بانکداری ایران



شایان ذکر است، رقابت در صنعت بانکداری با استفاده از ابزارهای مختلفی شکل می‌گیرد که می‌توان آن‌ها را براساس سرعت تغییرپذیری دسته‌بندی کرد. در کوتاه‌مدت تنها قیمت‌ها قابل تغییراند. بنابراین رقابت قیمتی به‌عنوان نخستین ابزار رقابت شناخته می‌شود. در دوره‌های زمانی بلندتر، ساختار هزینه‌ها و ویژگی‌های محصولات قابل تغییراند که تحت عنوان رقابت غیرقیمتی در دسته دوم قرار می‌گیرند(۱).

<sup>۱</sup> شایان ذکر است چند بانک جدید که از اواخر سال ۱۳۸۸ و همچنین سال ۱۳۸۹ وارد صنعت بانکداری کشور شده‌اند در محاسبه این شاخص وارد نشده‌اند که البته در صورت ورود منجر به کاهش بیش‌تر شاخص در سال‌های انتهایی می‌شدند.

در نظام بانکداری متعارف، رقابت قیمتی بین بانکها در دو بازار جداگانه صورت می‌پذیرد؛ از یک سو بانکها می‌توانند برای جذب منابع بیش‌تر، نرخ‌های بهره بیش‌تری به سپرده‌گذاران پیشنهاد دهند و از سوی دیگر می‌توانند برای فروش بیش‌تر خدمات اعتباری، نرخ بهره کم‌تری از تسهیلات‌گیرندگان مطالبه کنند. لیکن این دو راهبرد رقابتی در تضاد با یکدیگرند. افزایش نرخ سپرده‌ها منجر به افزایش هزینه تمام شده پول برای بانک می‌شود و بانک برای جبران آن به ناگزیر باید نرخ تسهیلات را افزایش دهد.

به بیان دیگر افزایش نرخ سپرده‌ها، توان رقابت در بازار تسهیلات را کاهش می‌دهد و منجر به شکل‌گیری قدرت بازاری<sup>۱</sup> در بازار تسهیلات می‌شود. در چنین شرایطی دسترسی افراد به تسهیلات بانکی نیز کاهش می‌یابد و آثار سوء رفاهی در پی خواهد داشت. بنابراین رقابت بیش از حد می‌تواند به‌عنوان یک پدیده زیاندار در صنعت بانکداری شناخته شود.

بر همین اساس، مسئله قابل تحقیق درباره صنعت بانکداری در هر کشوری، نحوه تأثیرگذاری رقابت در بازار سپرده‌ها بر نرخ تسهیلات است که به شکل پرسش زیر مطرح می‌شود.

• آیا افزایش رقابت در بازار سپرده‌ها منجر به افزایش نرخ تسهیلات می‌شود؟  
گذشته از این پرسش که برای صنعت بانکداری عمومیت دارد، ورود به بررسی تجربی صنعت بانکداری ایران، پرسش‌های جدیدی در همین جهت ایجاد می‌کند. در مقام نظری، بانکداری در ایران براساس قوانین بانکداری اسلامی است و در مقام عمل، این امر از طریق قانون بانکداری بدون ربا دنبال می‌شود. اینکه واقعیت عملیات بانکی کشور تا چه اندازه با اصول فقهی بانکداری اسلامی هم‌خوانی دارد موضوع بحث‌های متنوعی بوده است، لیکن در اینجا بررسی سازوکار ارتباطی بین

<sup>۱</sup> Market Power

نرخ‌های سپرده‌ها و تسهیلات در پارادایم بانکداری اسلامی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

در بانکداری اسلامی، ربا ممنوع شده است و بانک‌ها مجاز به تعیین نرخ سود ثابت برای سپرده‌ها یا تسهیلات نیستند. به‌طور خاص عقود اسلامی مضاربه و مشارکت مبتنی بر بازدهی واقعی پروژه‌های سرمایه‌گذاری و اصل مشارکت در سود و زیان هستند و درباره سایر عقود که در عقود مبادله‌ای دسته‌بندی می‌شوند نیز بانک‌ها موظف‌اند به‌عنوان وکیل سپرده‌گذاران، سود حاصل از عملیات بانکی را پس از کسر حق‌الوکاله خود، به سپرده‌گذاران بازگردانند. بنابراین می‌توان گفت در بانکداری اسلامی، ابتدا نرخ سود تسهیلات براساس نرخ بازدهی واقعی اقتصاد (درباره عقود مشارکتی) و یا کارمزد واقعی خدمات بانکی (درباره عقود مبادله‌ای) به‌دست می‌آید و سپس نرخ سود سپرده‌ها (پس از کسر حق‌الوکاله و سایر هزینه‌های مرتبط از اصل سود کسب شده) تعیین می‌شود. مقایسه بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف از این مسیر، منجر به کشف یک تفاوت بنیادی اساسی می‌شود (۲).

**گزاره ۱:** درحالی‌که در بانکداری متعارف، نرخ بهره سپرده‌ها عامل تعیین نرخ بهره تسهیلات است، در بانکداری اسلامی نرخ سود تسهیلات (که از بخش واقعی اقتصاد نشأت گرفته است)، عامل تعیین نرخ سود سپرده‌هاست.

اگر گزاره بالا در چارچوب روابط علت و معلولی متغیرهای اقتصادی در نظر گرفته شود، چنین می‌توان گفت که در بانکداری متعارف، متغیر نرخ بهره سپرده‌ها، علت (متغیر توضیحی) و متغیر نرخ بهره تسهیلات، معلول (متغیر وابسته) خواهد بود، لیکن در بانکداری اسلامی نرخ سود تسهیلات، علت و نرخ سود سپرده‌ها، معلول خواهد بود.

بنابراین پیش از ورود به بررسی رابطه بین بازار سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات در صنعت بانکداری ایران، لازم است رابطه علی بین این دو، به‌صورت پرسش زیر بررسی شود:



• آیا نرخ سود سپرده‌ها، عامل تعیین نرخ سود تسهیلات در صنعت بانکداری ایران است؟

چنانچه پاسخ این پرسش منفی باشد و رابطه علی از سمت نرخ تسهیلات به نرخ سپرده‌ها باشد، بدین معنا خواهد بود که اثر انتقالی رقابت از سمت بازار تسهیلات به سمت بازار سپرده‌ها خواهد بود. در این حالت رقابت بیش از حد در بازار تسهیلات مشکل‌ساز بوده و سیاستگذاری برای کنترل آن اولویت بیشتری خواهد داشت.

لیکن اگر پاسخ این پرسش مثبت و رابطه علی از سمت نرخ سپرده‌ها به نرخ تسهیلات باشد، از یک سو به معنای وجود فاصله با واقعیت بانکداری اسلامی در صنعت بانکداری کشور است که البته وجود این فاصله به معنای مطابقت نداشتن عملیات بانکی با قواعد شرعی نیست، بلکه به معنای وجود فاصله با یکی از ویژگی‌های بانکداری اسلامی است که آن را به صورت بنیادی و ساختاری با بانکداری متعارف متمایز می‌سازد.

این موضوع از سوی دیگر بدین معناست که درجه رقابت در بازار سپرده‌ها یک متغیر سیاستی مهم برای تنظیم نظام مالی کشور خواهد بود. به بیان دیگر لازم است نهاد سیاستگذار بخش مالی اقتصاد توجه بیشتری به رقابت در بازار سپرده‌ها معطوف نموده و با تنظیم سیاست‌های مناسب مانع از افزایش بیش از اندازه رقابت در این بازار شود. بی‌گمان این به معنای ممانعت از رقابت نیست، بلکه هدف حفظ رقابت در سطح بهینه‌ای است که کارایی را به حداکثر رسانده و مخل رقابت در بازار تسهیلات نیز نشود. بر این اساس، با در نظر گرفتن دو تحقیق، فرضیات زیر برای این تحقیق در نظر گرفته شده است:

- **فرضیه اول:** نرخ سود سپرده‌ها عامل تعیین نرخ سود تسهیلات در صنعت بانکداری ایران است.

- **فرضیه دوم:** افزایش رقابت در بازار سپرده‌ها منجر به افزایش به نرخ سود تسهیلات می‌شود.

### ۱- ادبیات تحقیق

رقابت به معنای تلاش بنگاه‌های اقتصادی برای ارائه محصولات و خدمات در شرایط بهتر نسبت به رقبا، همواره یکی از موضوع‌های مورد بحث در اقتصاد و به ویژه درباره نحوه عملکرد بازارها و صنایع مختلف است. درجه رقابت در صنعت بانکداری و یا در یک مفهوم وسیع‌تر صنعت مالی، آثار مهمی بر کارایی، کیفیت و نوآوری در تولید خدمات مالی دارد. همچنین به صورت نظری و تجربی در پژوهش‌های مختلف نشان داده شده که درجه رقابت در بخش مالی، عامل مهمی در میزان دسترسی بنگاه‌ها و خانوارها به خدمات مالی است و به تبع آن دسترسی بیش‌تر به منابع مالی به‌عنوان عامل مؤثر در ایجاد رشد اقتصادی شناخته می‌شود (۳).

بنگاه‌ها و خانوارها از راه‌های متعددی مانند وام، سپرده‌گذاری و سایر خدمات مالی تحت تأثیر رفتارهای رقابتی بانک‌ها و نحوه قیمت‌گذاری آن‌ها بر روی محصولات‌شان قرار دارند. بر این اساس هر نوع ناکارایی، شکست بازار و یا رفتارهای ضد رقابتی بانک‌ها، باعث تحمیل هزینه‌های بیش‌تر به کل اقتصاد می‌شود (۴).

در شرایط رقابت کامل، قیمت محصول برابر هزینه نهایی تعیین می‌شود و سود اقتصادی صفر است، لیکن در شرایط رقابت ناقص، قدرت بازاری برای بانک‌ها شکل می‌گیرد. قدرت بازار به معنای توانایی بانک در افزایش قیمت به سطح بالاتر از هزینه نهایی تولید و در نتیجه کسب سود مثبت است. چنین سودی از یک سو کاهنده رفاه اجتماعی است و از سوی دیگر به معنای تولید خدمات مالی در سطحی پایین‌تر از رقابت کامل است، بنابراین باعث کاهش دسترسی سایر بخش‌های اقتصاد به منابع مالی می‌شود. افزون بر این‌ها برخی از پژوهش‌ها نیز نشان دادند

که چگونه رقابت بیش‌تر در صنعت بانکداری، موجب افزایش سطح درآمد و کاهش شدت نوسان‌های اقتصادی می‌شود(۵).

لیکن نظریه‌های متفاوتی نیز در نقش منفی رقابت در صنعت بانکداری ارائه شده است. برخی از محققان معتقدند از آنجا که فعالیت بانک‌ها ماهیت واسطه‌ای دارد و آن‌ها در دو بازار سپرده‌ها و وام‌ها به‌طور هم‌زمان به رقابت می‌پردازند یا به بیان دیگر بانک‌ها برخلاف بنگاه‌های تولیدی در بازار نهاده قیمت‌پذیر<sup>۱</sup> نیستند، بنابراین درجه رقابت در بازار نهاده (سپرده) بر شرایط رقابت در بازار محصول (وام) تأثیر می‌گذارد. بر این اساس رقابت در بازار سپرده می‌تواند منجر به کمبود منابع برای رقابت در بازار محصول شده، برای بانک‌ها در بازار وام، قدرت بازار ایجاد کرده و قیمت محصول (نرخ بهره وام‌ها) را افزایش دهد.(۶)

در واقع، رقابت بیش از اندازه در بازار سپرده‌ها دو اثر مخرب دارد. از یک سو نرخ بهره<sup>۲</sup> سپرده‌ها را افزایش داده و هزینه ارائه خدمات اعتباری بانک را از این طریق (افزایش بهای تمام شده پول) افزایش می‌دهد و از سوی دیگر باعث افزایش انتقال سپرده‌ها بین بانک‌های مختلف شده و از این‌رو پایداری و درجه اطمینان‌پذیری منابع بانک را کاهش داده و نیاز نقدینگی بانک را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی هر بانکی که منابع جدیدی برای وام‌دادن در اختیار داشته باشد، از قدرت بازاری برخوردار است. بدین معنا که می‌تواند نرخ بهره بیش‌تری به تسهیلات گیرندگان تحمیل کند. افزایش نرخ بهره تسهیلات نیز به نوبه خود باعث کاهش

<sup>۱</sup> Price Taker

<sup>۲</sup> در صنعت بانکداری ایران، متغیری به نام نرخ بهره وجود ندارد و در ارتباط با سپرده‌ها و تسهیلات از عنوان نرخ سود علی الحساب استفاده می‌شود که ماهیت نظری متفاوتی دارد ولی از دیدگاه ناظر بیرونی یا در مقام عمل، شباهت زیادی بین عملکرد این دو مفهوم وجود دارد. بخش مهمی از ادامه مقاله بررسی تفاوت این دو مفهوم در قالب الگوی تجربی خواهد بود. لیکن در طول مقاله هر جا که هدف اشاره به هر دو مفهوم به‌طور هم‌زمان باشد، از دو واژه نرخ سپرده‌ها و نرخ تسهیلات استفاده خواهد شد.

دسترسی خانوارها و بنگاه‌ها به منابع مالی می‌شود و همچنین برخی از طرح‌های سرمایه‌گذاری را از توجیه‌پذیری اقتصادی خارج می‌کند.

همچنین برخی دیگر بر رابطه رقابت و ریسک‌پذیری بانک‌ها تأکید دارند و درجه بالای رقابت را عاملی در پذیرش بیش از توان ریسک در بانک‌ها می‌دانند. از این‌رو معتقدند؛ در یک بازار بانکی متمرکز با درجه رقابت پایین، ریسک‌پذیری بانک‌ها کنترل شده است و حتی وجود سود اقتصادی برای بانک‌ها، یک عامل محافظتی در برابر ریسک و بی‌ثباتی بازار است. بر همین اساس طی سالیان اخیر، مقررات احتیاطی بانک‌ها و بیمه سپرده‌ها به‌عنوان دو ابزار مکمل در برنامه‌های توسعه رقابت در صنعت بانکداری، مورد توجه بیش‌تر قرار گرفته‌اند (۷).

برآیند این نتایج نشان می‌دهد هرچند رقابت یک اصل مفید و عامل ایجاد کارایی در صنعت بانکداری است، لیکن میزان بالای رقابت لزوماً بهترین شرایط برای صنعت بانکداری نیست. چنانچه رقابت سبب ریسک‌پذیری بیش از توان بانک‌ها شود یا اینکه حاشیه نرخ بهره در بازار تسهیلات را به‌نحو غیرمنطقی افزایش دهد، می‌توان گفت رقابت از حد بهینه خود فراتر رفته است.

رابطه بین رقابت و درجه ریسک‌پذیری بانک‌ها در پژوهش‌های نظری و تجربی زیادی مورد توجه قرار گرفته است و شواهد تجربی چشمگیری مبنی بر مفید بودن وجود درجه‌ای از قدرت بازاری یا رقابت انحصاری در صنعت بانکداری بر همین اساس ارائه شده است.

آلن و گیل (۱۹۹۷ و ۲۰۰۴) موضوع ریسک‌های ناشنی متنوع‌سازی (مانند ریسک وقوع بحران‌های اقتصادی فراگیر) را مورد توجه قرار دادند. راهبرد رویارویی با چنین ریسکی از دو رویکرد «هموارسازی بین نسلی ریسک» و «انباشت دارایی» متصور است. آلن و گیل نشان دادند که وجود یک نظام مالی مبنی بر نهادهای واسطه‌ای (همانند بانک‌ها) همراه با وجود درجه‌ای از قدرت بازاری در بازار سپرده‌ها، منجر به راه‌حل بهینه برای مسئله هموارسازی بین نسلی می‌شود. این

بدان معناست که آن‌ها محدود کردن رقابت در بازار سپرده‌ها را تا حدی تجویز می‌کنند.

آن‌ها به‌همین ترتیب برتری نظام مالی کشور آلمان (به‌عنوان یک نظام مبتنی بر بانک و همراه با رقابت انحصاری) را در مقایسه با نظام مالی آمریکا (به‌عنوان نظام مالی مبتنی بر بورس اوراق بهادار) نشان دادند و پیش‌بینی کردند باز شدن صنعت بانکداری آلمان به روی بانک‌های اروپایی (به‌دلیل همگرایی اتحادیه اروپا) و کاهش قدرت بازاری آن‌ها، سبب از دست رفتن این مزیت در آینده خواهد شد. (۸/۹)

مجموعه‌ای از پژوهش‌های این حوزه را می‌توان در ذیل پارادایم «ارزش امتیاز فعالیت (فرانشیز)» دسته‌بندی کرد. براساس این پارادایم، بانک‌ها به‌منظور حفظ ارزش شبه انحصاری، حق امتیاز تأسیس و فعالیت بانکی را که از دولت دریافت کرده‌اند، ریسک‌پذیری خود را محدود می‌کنند. حال چنانچه به دلایلی مانند ورود تعداد زیاد بانک، ارزش امتیاز بانک کاهش یابد، ریسک‌پذیری بانک‌ها نیز افزایش خواهد یافت. (۱۰)

از تحقیقات مرتبط با این پارادایم می‌توان به تحقیق بسانکو و تاگر (۲۰۰۴) اشاره کرد که نشان داد، افزایش تعداد بانک‌ها (به‌عنوان شاخص افزایش رقابت)، سبب کاهش ارزش رانت اطلاعاتی ناشی از بانکداری مبتنی بر ارتباط<sup>۱</sup> می‌شود و تمایل ریسک‌پذیری بانک‌ها را افزایش می‌دهد. (۱۱) همچنین مارکز (۲۰۰۲) نشان داد هرچند افزایش شمار بانک‌ها باعث افزایش هزینه تأمین مالی برای مشتریان با

<sup>۱</sup> در بانکداری مبتنی بر ارتباط (Relationship Banking)، بانک‌ها از طریق ارزیابی فعالیت گذشته مشتری نزد خود، درجه اعتباری مشتری را تعیین می‌کنند، بنابراین سابقه گردش مالی و توان سپرده گذاری، عاملی برای تعیین سقف اعتبار پرداختی خواهد بود. در این روش بانک به دلیل دسترسی به سوابق بانکی مشتریان خود، نسبت به رقبا از رانت اطلاعاتی برخوردار است.

درجه اعتباری پایین می‌شود، لیکن در همان حال میزان دسترسی آن‌ها به اعتبارات بانکی را افزایش می‌دهد. (۱۲)

هلمن، مرداک و استیگلیتز (۲۰۰۰) با استفاده از یک الگو پویای کژمنشی<sup>۱</sup> نشان دادند که افزایش رقابت بین بانک‌ها تأثیر منفی بر رفتارهای احتیاطی بانک‌ها دارد. در چنین شرایطی مقررات کفایت سرمایه برای جلوگیری از ریسک‌پذیری بیش از حد کافی نیست، لیکن استفاده از ابزار سیاستی کنترل نرخ سپرده‌ها می‌تواند این منظور را محقق کند. آن‌ها حتی دلیل وقوع بحران مالی دهه ۹۰ میلادی در جنوب شرق آسیا را نیز با همین دیدگاه تفسیر کرده‌اند. از نظر آن‌ها آزادسازی بازارهای مالی در دهه ۹۰ در این منطقه باعث افزایش رقابت بانک‌ها، کاهش سودآوری و کاهش ارزش امتیاز بانک‌ها شد و این عامل به همراه عوامل دیگر باعث وقوع بحران مالی در جنوب شرق آسیا و حتی تضعیف نظام بانکی ژاپن شد. (۱۳)

در مقابل پارادایم ارزش امتیاز، دیدگاه‌های متضادی نیز وجود دارد قائل به که رابطه معکوسی بین درجه رقابت و میزان ریسک بانک است. براساس الگوی مسئله قرارداد بهینه<sup>۲</sup> که توسط بوید، دی‌نیکولا و جلال (۲۰۰۶) توسعه یافته، بانک‌ها علاوه بر بازار سپرده در بازار تسهیلات نیز به رقابت می‌پردازند و برای تخصیص تسهیلات در بازاری که از نظر اطلاعات ناقص است و عدم تقارن اطلاعات وجود دارد، با مسئله انتخاب بهینه نحوه قرارداد با مشتری، روبه‌رو هستند. در چنین فضای نظری، انتخاب سطح بهینه سپرده، تسهیلات و اوراق قرضه (سرمایه‌گذاری بدون ریسک بانک) تابعی از درجه رقابتی است که بانک با آن روبه‌روست. آن‌ها با استفاده از این الگو نشان دادند که افزایش رقابت باعث کاهش

<sup>۱</sup> Moral Hazard

<sup>۲</sup> Optimal Contracting Problem

ریسک آسیب‌پذیری و شکست بانک می‌شود و بنابراین برخلاف دیدگاه ارزش امتیاز، افزایش رقابت را پدیده مفیدی برای کنترل ریسک بانک‌ها می‌دانند (۱۴). تحقیق مارتینز و ریپلو (۲۰۱۰) به نوعی این دو دیدگاه متضاد را کنار هم می‌آورد. براساس تحقیق ایشان، در محیط اقتصادی که همبستگی ناقص<sup>۱</sup> بین احتمال نکول بنگاه‌ها وجود دارد، رابطه بین رقابت و ریسک‌پذیری بانک‌ها یک رابطه U شکل است. در چنین محیطی، همزمان با افزایش نرخ تسهیلات ناشی از افزایش رقابت، از یک سو درآمد بهره‌ای بانک افزایش می‌یابد و از سوی دیگر ریسک نکول مشتریان افزایش می‌یابد. بنابراین در ابتدا اثر درآمد اضافی ناشی از بازپرداخت تسهیلات بنگاه‌های موفق غالب است و باعث کاهش ریسک (به دلیل وجود پوشش درآمدی مناسب بانک) می‌شود. لیکن با افزایش بیشتر نرخ بهره، اثر زیان ناشی از نکول بنگاه‌های ناموفق غالب می‌شود و ریسک بانک را افزایش می‌دهد (۱۵).

درباره تحقیقات مرتبط با موضوع ارتباط نرخ‌های سود در بازار سپرده‌ها و تسهیلات بانکداری اسلامی نیز لازم است به تحقیق چونگ و لیو (۲۰۰۹) اشاره کرد که فرضیه روابط علی نرخ‌های سود در دو بازار را برای بررسی واقعیت‌های بانکداری اسلامی (اصل مشارکت در سود و زیان) در مالزی پیشنهاد کرده‌اند. آن‌ها رابطه علی بین نرخ‌های متعدد بهره در بازار سپرده‌ها و بازار بین بانکی را با نرخ‌های تسهیلات مبتنی بر عقود اسلامی مشارکتی بررسی کردند و دریافتند که این رابطه از سمت نرخ بهره سپرده‌ها به نرخ تسهیلات است که با واقعیت موردنظر آن‌ها از بانکداری اسلامی مطابقت نداشت (۲).

<sup>۱</sup> Imperfect Correlation

## ۲- روش‌شناسی و داده‌ها

## ۲-۱- روش تحقیق

برای بررسی نخستین فرضیه این تحقیق حاضر (رابطه علی بین نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات) از آزمون علیت گرنجر<sup>۱</sup> استفاده می‌شود. برای انجام این آزمون، دو رابطه زیر به صورت جداگانه برآزش می‌شود:

$$LR_{it} = \sum_{i=1}^n \alpha_i + \sum_{j=1}^m \beta_j DR_{i,t-j} + \sum_{j=1}^m \gamma_j LR_{i,t-j} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

$$DR_{it} = \sum_{i=1}^n \theta_i + \sum_{j=1}^m \vartheta_j LR_{i,t-j} + \sum_{j=1}^m \varphi_j DR_{i,t-j} + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

متغیرهای این روابط رگرسیون به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$DR_{it}$  = نرخ سود سپرده‌های بانک  $i$  در زمان  $t$

$LR_{it}$  = نرخ سود تسهیلات بانک  $i$  در زمان  $t$

$n$  = تعداد بانک‌ها

$m$  = تعداد وقفه الگو

$\varepsilon_{it}$  = جزء اخلاص

در مرحله بعد، با استفاده از آزمون  $F$ ، فرضیه مساوی صفر بودن تمام ضرایب  $\beta$  در رابطه رگرسیون (۱) و تمام ضرایب  $\vartheta$  در رابطه رگرسیون (۲) به صورت جداگانه و از تعداد یک تا چهار وقفه در الگو، بررسی می‌شود. رد فرضیه صفر در مورد رگرسیون (۱) و عدم رد فرضیه صفر در مورد رگرسیون (۲) به معنای تأیید فرضیه اول تحقیق خواهد بود. یعنی نرخ سود سپرده‌ها علت گرنجری<sup>۲</sup> نرخ سود تسهیلات شناخته خواهد شد.

<sup>۱</sup> Granger Causality Test

<sup>۲</sup> Granger-Cause



برای آزمون فرضیه دوم تحقیق لازم است در ابتدا شاخصی برای رقابت در بازار سپرده‌ها تعریف شود. در این تحقیق، از شاخص تمرکز هر فیندال-هیرشمن برای این منظور استفاده می‌شود. این شاخص به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$HHID_t = \sum_{i=1}^n (TD_{it}/TTD_t)^2 \quad (۳)$$

متغیرهای این رابطه به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$HHID_t$  = شاخص تمرکز سپرده‌ها (شاخص رقابت در بازار سپرده‌ها)

$TD_{it}$  = مجموع انواع سپرده‌های بانک  $i$  در زمان  $t$

$TTD_t$  = مجموع سپرده‌های شبکه بانکی (کل بانک‌های مورد مطالعه) در زمان

$t$  پس از محاسبه شاخص تمرکز بازار سپرده‌ها برای هر یک از سال‌های مورد

مطالعه، رابطه رگرسیون زیر به منظور بررسی درستی فرضیه دوم تحقیق برآزش

می‌شود:

$$LR_{it} = \alpha_0 + \sum_{i=1}^n \alpha_i + \beta_1 INF_{t-1} + \beta_2 HHID_t + \sum_{k=3}^K \beta_k Z_{it} \quad (۴)$$

در رابطه رگرسیون فوق،  $\alpha_i$  ضرایب مختص هر بانک است که با توجه به

شرایط تخمین می‌تواند به صورت آثار ثابت<sup>۱</sup> یا تصادفی<sup>۲</sup> تعریف شود،  $INF_{t-1}$  نرخ

تورم سال قبل و  $Z_{it}$  برداری از سایر متغیرهای تأثیرگذار بر نرخ سود تسهیلات

(متغیرهای کنترلی) است که از ترازنامه و صورت سود و زیان بانک‌ها استخراج

می‌شود.

<sup>۱</sup> Fixed Effects

<sup>۲</sup> Random Effects

با استفاده از آزمون معناداری ضریب  $\beta_1$  در رابطه رگرسیون (۴) می‌توان فرضیه دوم تحقیق را بررسی کرد. بر این اساس چنانچه  $\beta_1$  معنادار و کوچک‌تر از صفر باشد به معنای وجود رابطه معکوس بین شاخص تمرکز و نرخ سود سپرده‌ها خواهد بود. از آنجا که رابطه شاخص تمرکز  $HHID_t$  با درجه رقابت نیز رابطه معکوسی است (هرچه شاخص تمرکز پایین‌تر باشد به معنای رقابت بیشتر در بازار سپرده‌هاست)، فرضیه دوم مبتنی بر تأثیر افزایشی رقابت در بازار سپرده‌ها بر روی نرخ سود تسهیلات، قابل رد کردن نخواهد بود.

شایان ذکر است، متغیرهای زیر به عنوان عناصر بردار  $Z_{it}$  برای این تحقیق در نظر گرفته شده‌اند:

TDR = نسبت کل سپرده‌ها به کل منابع بدهی بانک

TLR = نسبت کل تسهیلات به کل دارایی‌های بانک

DLR = نسبت کل سپرده‌ها به کل تسهیلات بانک

NIR = نسبت سایر درآمدها (درآمدهای غیرمشاع به استثنای سود تسهیلات غیرمشاع) به درآمدهای حاصل از سود تسهیلات بانک (اعم از تسهیلات مشاع و غیرمشاع)

بدین ترتیب مدل نهایی رگرسیون به صورت زیر تخمین زده خواهد شد.

(۵)

$$LR_{it} = \alpha_0 + \sum_{i=1}^n \alpha_i + \beta_1 INF_{t-1} + \beta_2 HHID_t + \beta_3 TDR_{it} + \beta_4 TLR_{it} + \beta_5 DLR_{it} + \beta_6 NIR_{it}$$

## ۲-۲- داده‌ها

کلیه داده‌های تحقیق به استثنای نرخ تورم، از صورت‌های مالی ۱۸ بانک کشور طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ استخراج شده است. منبع این داده‌ها، گزارش

سالانه عملکرد بانک‌هاست که توسط مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران به صورت سالانه منتشر می‌شود. نرخ تورم نیز از گزارش‌های بانک مرکزی استخراج شده است. برای دو متغیر نرخ سپرده‌ها و نرخ تسهیلات به ترتیب از نرخ مؤثر سود سپرده‌ها و نرخ مؤثر سود تسهیلات هر بانک استفاده شده است. نرخ مؤثر سود سپرده‌ها برای هر بانک از تقسیم هزینه‌های سود پرداخت شده به سپرده‌ها در هر سال بر مانده پایان سال سپرده‌ها در همان سال به دست آمده است. نرخ مؤثر سود تسهیلات نیز به همین ترتیب با تقسیم کل سود دریافتی تسهیلات هر سال بر مانده انتهای سال تسهیلات پرداختی محاسبه شده است.

مزیت استفاده از این نرخ‌ها در ماهیت واقعی بودن آن‌ها نسبت به نرخ‌های سود علی‌الحساب بسته‌های سیاستی بانک مرکزی است. در واقع این نرخ‌ها میانگین وزنی همه نرخ‌های اعمال شده بانک هستند. از این رو انعکاس درست‌تری از نرخ سود مؤثر برای سپرده‌ها و تسهیلات هر بانک هستند. جدول شماره ۱ ویژگی‌های آماری متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: ویژگی‌های آماری متغیرهای تحقیق

(درصد)

متغیر	میانگین	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
LR	۱۲	۲۳	۴	۴
DR	۵	۱۵	۰	۴
TDR	۸۲	۱۰۰	۲۵	۱۹
TLR	۶۹	۹۰	۳۹	۹
DLR	۹۴	۲۱۶	۱	۳۴
NIR	۱۹	۱۱۵	۰	۱۵
HHID	۱۳/۰	۱۸/۰	۱۰/۰	۰۳/۰
INF	۱۵	۲۳	۱۰	۴

## ۳-۲- نتایج

نتایج حاصل از آزمون علیت گرنجر که براساس روابط رگرسیون (۱) و (۲) و با استفاده از آزمون F انجام شده در جدول شماره ۲ منعکس شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در تمامی آزمون‌ها با وقفه‌های ۱ تا ۴، درحالی‌که عدم تأثیر نرخ سود تسهیلات (LR) بر نرخ سود سپرده‌ها (DR) قابل رد کردن نیست، حالت برعکس، یعنی عدم تأثیر نرخ سود سپرده‌ها بر نرخ سود تسهیلات با اطمینان بسیار رد می‌شود. به‌بیان دیگر نتایج به آشکارا نشان می‌دهند که در صنعت بانکداری ایران، نرخ سود سپرده‌ها علت گرنجری نرخ سود تسهیلات است.

جدول شماره ۲: نتایج آزمون علیت گرنجر

فرضیه صفر	تعداد وقفه	آماره F	سطح احتمال	نتیجه
LR علت گرنجری DR نیست.	۱	۰/۳۲	۰/۵۸	عدم رد فرض صفر
	۲	۰/۰۲	۰/۹۸	عدم رد فرض صفر
	۳	۰/۰۴	۰/۹۸	عدم رد فرض صفر
	۴	۰/۴۷	۰/۷۶	عدم رد فرض صفر
DR علت گرنجری LR نیست.	۱	۱۲/۶	۰/۰۰	رد فرض صفر
	۲	۱۱/۷	۰/۰۰	رد فرض صفر
	۳	۶/۵۳	۰/۰۰	رد فرض صفر
	۴	۳/۴۲	۰/۰۱	رد فرض صفر

این نتایج به معنا تأیید فرضیه اول تحقیق است. بر این اساس سازوکار ارتباط بازار سپرده‌ها و تسهیلات در نظام بانکداری ایران، تفاوت عملی با بانکداری متعارف ندارد و از همین‌رو می‌توان فرضیه دوم تحقیق مبنی بر تأثیر رقابت در بازار سپرده‌ها بر روی نرخ سود تسهیلات را مورد آزمون قرار داد.

برای بررسی فرضیه دوم مدل رگرسیون (۵) در سه دوره زمانی، مورد برازش قرار گرفت. شایان ذکر است در این برازشها اقدامات زیر رعایت شده است:

- از روش رگرسیون داده‌های جدولی استفاده شده است.
- از آزمون نسبت حداکثر راستنمایی<sup>۱</sup> و آزمون هاسمن<sup>۲</sup> برای تشخیص روش رگرسیون از بین روش‌های بدون آثار، آثار ثابت و آثار تصادفی استفاده شد که در تمام موارد، روش آثار ثابت به دو روش دیگر ترجیح داده شد.
- با توجه به اندازه‌های متفاوت بانک‌ها و همچنین مقدار آماره دوربین واتسون، وجود ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی در الگوها محتمل بود که برای رفع این مشکل از روش کوواریانس مستحکم وایت<sup>۳</sup> و همچنین وزن‌دهی مقطعی<sup>۴</sup> در برآوردها استفاده شده است.

همچنین برای مقایسه تحولات در طول زمان این الگو برای سه دوره زمانی تخمین زده شده است. تخمین اول مربوط به کل دوره زمانی مورد مطالعه (۱۳۸۰-۱۳۹۰) است، تخمین دوم مربوط به دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ و تخمین سوم مربوط به دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ است. تفکیک کل دوره به دو زیر دوره با توجه به محدودیت داده‌های در دسترس، به‌نحوی انتخاب شده است که ضمن وجود مشاهدات کافی برای برازش در هر زیر دوره، فضای رقابت در دو زیر دوره متفاوت باشد. اواخر سال ۱۳۸۴ و سال ۱۳۸۵ مصادف با ورود بانک‌های پیش‌تر (تأسیس بانک‌های پاسارگاد و سرمایه و تغییر وضعیت بانک‌های سینا و پست بانک) به صنعت بانکداری کشور بود و بر همین اساس سال ۱۳۸۵ به‌عنوان مقطع مشترک دو زیر دوره منظور شده است و انتظار می‌رود قدر مطلق ضریب

<sup>1</sup> Likelihood Ratio

<sup>2</sup> Hausman Test

<sup>3</sup> White Robust Covariances

<sup>4</sup> Cross-Section Weights

متغیر شاخص تمرکز بازار سپرده‌ها در زیر دوره دوم (۱۳۸۵-۱۳۹۰) بزرگ‌تر شده باشد.

نتایج حاصل از برازش رابطه (۵) برای سه دوره زمانی مزبور در جدول شماره ۳ ارائه شده است<sup>۱</sup>:

جدول شماره ۳: نتایج برازش الگو تعیین نرخ سود تسهیلات

R <sup>2</sup> تعدیل شده	متغیرهای توضیحی							دوره زمانی	متغیر وابسته	تعداد مشاهدات	الگو
	NIR	DLR	TLR	TDR	HHID	INF(-1)	C				
۰.۸۵	-۰.۰۹ ***	۰.۰۵ ***	-۰.۰۴ **	-۰.۰۲	-۰.۱۴ ***	۰.۱۰ **	-۰.۱۴ ***	-1390 1380	LR	۱۸۱	1-5
۰.۹۹	-۰.۰۷ ***	۰.۰۵ ***	-۰.۰۶ ***	-۰.۰۵ **	-۰.۱۴ ***	۰.۲۵ ***	-۰.۱۵ ***	-1385 1380	LR	۹۱	2-5
۰.۹۰	-۰.۰۹ ***	۰.۰۲	-۰.۰۴ *	-۰.۰۴ **	-۰.۷۶ **	۰.۱۱ ***	-۰.۱۹ ***	-1390 1385	LR	۱۰۸	3-5

نتایج برازش‌های فوق به شکل زیر قابل تفسیر است:

- ضریب متغیر شاخص تمرکز (HHID) در هر سه الگو برازش شده معنادار و منفی است. این موضوع، فرضیه دوم تحقیق را تأیید می‌کند. به بیان دیگر افزایش رقابت در بازار سپرده‌ها (به شکل کاهش درجه تمرکز این بازار) منجر به افزایش نرخ تسهیلات می‌شود.

<sup>۱</sup> در جدول ارائه شده در این مقاله علامت \* در زیر مقدار ضریب، نشان‌دهنده معناداری ضریب در سطح احتمال ۱۰ درصد و به همین ترتیب \*\* نشان‌دهنده معناداری در سطح ۵ درصد و \*\*\* علامت معناداری در سطح ۱ درصد است.

- مقایسه ضریب شاخص تمرکز (HHID) در دو زیر دوره تحقیق نیز نتیجه بند قبل را تحکیم می‌کند. مقدار این ضریب در دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵ معادل ۰/۱۴- بوده است در حالی که در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ به ۰/۷۶- رسیده است یعنی در دوره زمانی که ورود بیش تر بانک‌ها و افزایش عمومی فضای رقابت وجود داشته است، تأثیر مضاعفی بر افزایش نرخ سود تسهیلات نیز مشاهده شده است.

- ضریب متغیر نرخ تورم دوره قبل، مطابق انتظار (براساس نظریه نرخ بهره فیشر که نرخ بهره اسمی را تابعی از نرخ تورم انتظاری می‌داند) مثبت و معنادار شده است.

- ضریب متغیر نسبت سپرده‌ها به کل منابع بانک در کل دوره معنادار نشده است، لیکن در زیر دوره اول، منفی و معنادار و در زیر دوره دوم مثبت و معنادار شده است. بنابراین اظهار نظر قطعی درباره تأثیر این متغیر نیازمند بررسی‌های بیش تر است.

- ضریب متغیر نسبت تسهیلات به کل دارایی‌ها در هر سه الگو، معنادار و منفی شده است. در واقع افزایش سهم تسهیلات از کل دارایی‌های بانک توأم با کاهش نرخ سود تسهیلات خواهد بود. این پدیده می‌تواند ناشی از سهم بالای تسهیلات در دارایی‌های بانک‌های دولتی باشد که بیش تر نرخ‌های سود کم‌تری به مشتریان می‌دهند.

- ضریب متغیر نسبت سپرده‌ها به تسهیلات در کل دوره و همچنین در زیر دوره اول مثبت و معنادار شده است و در زیر دوره دوم نیز به‌رغم مثبت بودن، معنادار نیست. این نسبت به نوعی بیانگر ریسک پورتفوی دارایی بانک است و هرچه بالاتر باشد نشان‌دهنده درگیر شدن کم‌تر در ریسک است. مثبت بودن این ضریب نشان می‌دهد بانک‌هایی که سهم بالایی از سپرده‌های خود را به تسهیلات اختصاص می‌دهند، به‌طور میانگین، نرخ سود مؤثر پایین‌تری به‌دست می‌آورند.

- سرانجام ضریب متغیر نسبت سایر درآمدها به درآمدهای ناشی از سود تسهیلات نیز در هر سه الگو منفی و معنادار شده است. بر این اساس می‌توان گفت بانک‌هایی که منابع درآمدی متنوعی غیر از سود تسهیلات دارند، به‌طور متوسط، نرخ سود تسهیلات کم‌تری از مشتریان مطالبه می‌کنند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی‌های تجربی این تحقیق نشان می‌دهد که در صنعت بانکداری ایران، یک رابطه علی قوی از سمت نرخ سود سپرده‌ها به نرخ سود تسهیلات وجود دارد. این نتیجه از دیدگاه الگوی بانکداری متعارف که مبتنی بر تأمین منابع از بازار سپرده‌ها و سپس صرف آن در بازار تسهیلات با نرخ هزینه تمام شده پول به علاوه حاشیه سود بانک است، به‌درستی قابل انتظار و تا حدی بدیهی است.

لیکن با دیدگاه نظری بانکداری اسلامی که نرخ‌های سود علی‌الحساب تسهیلات را مبتنی بر بازدهی بخش واقعی اقتصاد می‌داند، هم‌خوانی ندارد. چنانچه بانکداری اسلامی به مفهوم واقعی مشارکت در سود و زیان، اجرا شود، تغییرات و تکانه‌های بازدهی بخش واقعی ابتدا به نرخ سود مؤثر تسهیلات منتقل شده و بعد از کسر هزینه‌های حق‌الوکاله بانک، خود را در نرخ سود مؤثر سپرده‌ها نشان خواهد داد. در چنین حالتی باید نرخ سود تسهیلات علت نرخ سود سپرده‌ها باشد که چنین چیزی در نتایج مشاهده نشد.

تطابق الگوی ارتباطی بازارهای سپرده و تسهیلات در صنعت بانکداری ایران با الگوی متعارف بانکداری، این اجازه را به محقق می‌دهد که فرضیه تأثیرگذاری رقابت در بازار سپرده‌ها بر نرخ سود تسهیلات را به آزمون بگذارد. در این تحقیق، رقابت در بازار سپرده‌ها که به شکل ورود بانک‌های جدید و تلاش هر یک برای به دست آوردن سهم بیش‌تری از بازار سپرده‌هاست، با استفاده از شاخص تمرکز



هرفیندال - هیرشمن اندازه‌گیری شد و سپس با برآزش الگوی تعیین نرخ سود تسهیلات در سه دوره زمانی نشان داده شد که رقابت بیش‌تر در بازار سپرده‌ها منجر به افزایش نرخ سود تسهیلات خواهد شد.

افزایش نرخ سود تسهیلات از یک‌سو به معنای کاهش دسترسی بخش‌های مختلف اقتصادی به تسهیلات بانکی است و از سوی دیگر به معنای وارد شدن بانک‌ها به پروژه‌های با ریسک بالاتر خواهد بود که از این منظر ثبات و پایداری نظام بانکی را تهدید می‌کند. این نتیجه، تحقیق حاضر را هم جهت با پژوهش‌های متعددی قرار می‌دهد که افزایش رقابت در صنعت بانکداری را لزوماً پدیده مفیدی ندانسته و درجاتی از قدرت بازاری را برای صنعت بانکداری پیشنهاد می‌کنند.

نتیجه این تحقیق، پیام مهمی در ارتباط با سیاستگذاری صنعت بانکداری کشور دارد. البته تصمیم‌گیری و سیاستگذاری مبتنی بر این پیام نیازمند این تحقیق بیش‌تر و سنجش ابعاد دیگر موضوع است، لیکن دست‌کم در ابعاد مطالعه شده مقاله می‌توان گفت رقابت بیش از اندازه در بازار سپرده‌ها برای رفاه اقتصادی جامعه و پایداری صنعت بانکداری زیانمند است و استفاده از ابزارهای سیاستی مبتنی بر کنترل نرخ سود سپرده‌ها قابل تجویز است.

در یک بعد وسیع‌تر و چنانچه شواهد تجربی بیش‌تر در مطالعات آینده در تأیید نتایج این تحقیق به‌دست آید، می‌توان ۴ محور اصلی برای سیاستگذاری بانک مرکزی (مقام ناظر بانکی) در این ارتباط پیشنهاد کرد:

اول- محور اول مقررات کفایت سرمایه و بیمه سپرده‌ها به‌عنوان سپر محافظتی بانک‌ها در مقابل ریسک است. تشدید مقررات کفایت سرمایه و ایجاد نظام بیمه سپرده با هزینه بیمه مبتنی بر نرخ سود سپرده به‌عنوان نخستین راهکارها در زمینه کنترل رقابت در بازار سپرده‌ها پیشنهاد می‌شود.

دوم- کنترل دستوری نرخ سود سپرده‌ها به‌عنوان محور دوم و بی‌گمان یک راه‌کار کوتاه‌مدت تجویز می‌شود.

سوم- ایجاد اصلاحات ساختاری در صنعت بانکداری به‌منظور کنترل رقابت در محور سوم قرار می‌گیرد. ایجاد محدودیت هدفمند برای توسعه شعب بانک‌ها، ایجاد انگیزه برای ادغام برخی بانک‌ها و افزایش میزان حداقل سرمایه تأسیس بانک‌ها از جمله این اصلاحات است.

چهارم- محور چهارم و بنیادی، ترویج و تقویت اجرای درست نظام بانکداری اسلامی است که در این صورت ارتباط بازارهای سپرده و تسهیلات به‌صورت اساسی معکوس می‌شود و رقابت در بازار سپرده‌ها فقط با تکیه بر کسب بازدهی در بخش واقعی اقتصاد امکانپذیر خواهد بود.

## کتابنامه

## الف- بیگانه

- [1]. Toolsema, L., (2002): *Competition in the Dutch consumer credit market*. Journal of Banking and Finance, 26, 2215–2229.
- [2]. Chong, B. S., and M. H. Liu. (2009): *Islamic banking: Interest-free or interest-based?* Pacific-Basin Finance Journal, 17, 125–144
- [3]. Claessens, S., and L., Laeven, (2004): *What Drives Bank Competition? Some International Evidence*. Journal Of Money, Credit And Banking 36 (2), 563–583.
- [4]. Shaffer, S., (2004): *Patterns of competition in banking*. Journal of Economics and Business 56, 287–313.
- [5]. Smith, R. T. (1998): *Banking Competition and Macroeconomic Performance*. Journal of Money, Credit and Banking, 30(4), 793-815.
- [6]. Stahl, D. O. (1988): *Bertrand Competition for Inputs and Walrasian Outcomes*. American Economic Review. 78(1). 189-201.
- [7]. Allen F., and D. Gale (2000): *Comparing Financial Systems*. MIT Press, Cambridge, Mass.

[8]. Allen F., and D. Gale. (1997): *Financial Markets, Intermediaries, and Intertemporal Smoothing*. Journal of Political Economy, 105(3), 523-546.

[9]. Allen, F. and D. Gale. (2004): *Competition And Financial Stability*. Journal of Money, Credit and Banking. 36(3), 453-480.

[10]. Jimenez G., J. A. Lopez, and J. Saurina. (2007): *How Does Competition Impact Bank Risk-Taking?* Federal Reserve Bank of San Francisco, Working Paper 2007-23, Available in <http://www.frbsf.org/publications/economics/papers/2007/wp07-23bk.pdf>

[11]. Besanko, D. And A. Thakor, (2004): *Relationship Banking, Deposit Insurance And Bank Portfolio Choice*. Working Paper Available In: <http://128.118.178.162/eps/fin/papers/0411/411046.pdf>.

[12]. Marquez, R. (2002): *Competition, Adverse Selection, And Information Dispersion In The Banking Industry*. Review of Financial Studies, 15, 901-926.

[13]. Hellmann, T. F., K. C. Murdock and J. E. Stiglitz. (2000): *Liberalization, Moral Hazard In Banking, And Prudential Regulation: Are capital requirements enough?* American Economic Review, 90(1), 147-165.

[14]. Boyd, J. H., G. De Nicola, and A. M. Jalal. (2006): *Bank Risk-Taking and Competition Revisited: New Theory and New Evidence*. IMF Working Paper, No. WP/06/297.

[15]. Martínez-Miera, D. and R. Repullo. (2010): *Does Competition Reduce The Risk Of Bank Failure?* Review of Financial Studies Journal, 23(10), 3638-3664.